



گزارش ایران از حال و هوای حرم های مقدس امام رضا (ع)، حضرت معصومه (س) و شاهچراغ (ع) در شب های قدر

دوباره با هم در شب های قدر

امسال مراسم شب های قدر حال و هوای دیگری دارد، درهای مساجد بسته نیست، قرار است بعد از ۲ سال محدودیت های کرونایی باز دیگر نوای «الغوث، الغوث» مؤمنان در مساجد و تکایای سراسر کشور طنین انداز شود.

دیوارهای مناطق مرکزی و غربی کشور در آستانه نابودی است

جولان آفات در بستر خشک گندمزارها

کم بارشی های بهاره، گندمکاران را نگران مزارعی کرده که سال گذشته شخم زدند و بذر پاشیدند، اگر به دیوارهای تشنه استان های مرکزی و غربی کشور تا چند روز آینده بارانی نیارد، حتماً از بین می روند. خشکسالی و افزایش دما دست به دست هم داده اند تا شرایط برای جولان آفات فراهم شود.



مناجات شبانه روزه داران در مسجد ارک تهران

تویا کز اول شب در صبح باز باشد

سجاد صفاری / ایران

یوسف حیدری

شب و روز این محل فرق دارد؛ همه دنبال کسب و کار هستند و شب دسته دسته کنار مسجد زیرانداز پهن می کنند و در سرما مناجات می خوانند. روح تشنه شان را سیراب می کنند و چه جایی بهتر از مسجد ارک و نوای عاشقانه مداحان اهل بیت (ع). سعید یکی از کارکنان انتظامات مسجد ارک با صدای بلند به مردم خوشامد می گوید و آنها را به سوی مسجد و پیاده روی های اطراف میدان ۱۵ خرداد راهنمایی می کند. می گوید: «افتخار خدمت به هیات را با هیچ چیزی عوض نمی کنم. همه اینجا میهمان ما هستند و خدا این لیاقت را به ما داده که شب های ماه مبارک رمضان میزبان آنها باشیم.»

از مراسم راننده از شبکه های مختلف سیما پخش کنند. پله های انتهای حیاط را بالا می روم و بعد از در بزرگ چوبی وارد استودیوی مجهزی می شوم. همه مشغول کار هستند. مسئول استودیو تلفنی با فیلمبرداران صحبت می کند. دو نفر از بچه های هیات هم مشغول ارسال فیلم و تصاویر در سایت و اینستاگرام هستند. خیلی از مردم از طریق فضای مجازی و سایت هیات مراسم مناجات خوانی را دنبال می کنند. این مراسم قرار دهم، تا سحر همه بیداریم و استودیو می گوید: «تلاش می کنیم تصاویر و صدای مناجات خوانی و سخنرانی را با بهترین کیفیت در اختیار مردم قرار دهیم. تا سحر همه بیداریم و تلاش می کنیم ارتباط کسانی را که نمی توانند این شب ها در این فضا حضور پیدا کنند با هیات برقرار کنیم.»

چند نفر روی پاگرد پله های حیاط نشسته اند و دعای افتتاح را همراه با نوای حاج منصور زمزمه می کنند. دنبال که ۱۹ ساله است کتاب دعا را بالا گرفته تا مهدی و سجاد هم ببینند. می گوید: «رفیق خوب داشته باشی این شب ها پایت به روضه و هیات باز می شود. سومین شبی است که اینجا می آیم. قبل از کرونا زیاد می آمدیم. وقتی رفیق خوبی مثل سید مهدی داشته باشی هر شب گذرت به اینجا می افتد. مهدی چند سالی است این هیات می آید و ما را هم هیاتی کرده است. اینجا دنبال آرامش روح هستیم. هر انسانی در زندگی احتیاج دارد زمانی برای خودش باشد تا به آرامش درون برسد. اینجا دقیقاً همان جا است. مناجات می خوانیم و روحمان را صیقل می دهیم.»

سجاد ادامه حرف های دانیال را می گیرد و می گوید: «اگر بچه هیاتی باشی می دانی که گوش دادن به روضه و اشک ریختن چقدر آرامش می دهد و حال دلت را خوب می کند. سعادت ندارم هر شب اینجا بیایم ولی هر وقت احساس می کنم نیاز دارم به آرامش برسم با دوستانم می آیم. بهترین شب های زندگی شب های قدر است که فارغ از هر چیزی کنار هم قرآن بالای سر می گیریم.»

سید مهدی ماسک را روی صورتش محکم می کند و می گوید: «در کودکی با پدر و مادرم به این هیات می آمدم. از سرکتاب این مسجد است. اگر سحری نخورده ای نرو. این کباب و فلافل کاملاً بهداشتی است. از افطار تا سحر اینجا هستیم. صدای مناجات خوانی حاج منصور اینجا هم شنیده می شود. کارکردن در این فضا و پذیرایی از مردمی که سیم وجودشان اینجا به خدا وصل می شود لذت خاصی دارد.» کمی آن طرف تر چند مرد مسن بساط انگشتر عقیق و تسبیح پهن کرده اند و هر چند دقیقه یکبار یکی از انگشترها را دست می کنند و درمی آورند.

«آقا ساعت چند بیایم می توانیم داخل صحن مسجد بنشینیم؟» سربرمی گردانم. پسر نوجوانی پشت میله های ایستاده و حیاط مسجد را نگاه می کند. ساقبند مشکلی را بالا می کشد تا خالکوبی روی دستش را پنهان کند. می گوید: «با دوستانم از اسلامشهر آمدم و ای کاش زودتر رسیده بودیم و داخل صحن می رفتیم. این شب ها همه جای کشور هیات برپاست ولی اینجا صفای دیگری دارد. چند سالی است که با دوستانم بعضی از شب های ماه

رمضان اینجا می آیم. برخی از هم سن و سال های من دوست دارند این شب ها تا سحر در قهوه خانه باشند اما خیلی از آنها از فرصت ماه رمضان استفاده می کنند و این شب ها به هیات می آیند. به همین دلیل خیلی از جوان ها دوست به نظر من حاج منصور دلی می خوانند و با هم لذت خاصی دارد.» کمی آن طرف تر چند مرد مسن بساط انگشتر عقیق و تسبیح پهن کرده اند و هر چند دقیقه یکبار یکی از انگشترها را دست می کنند و درمی آورند.

همه امید ما به شب های قدر است. اینجا کسی نمی گوید چرا خالکوبی داری یا چرا با شلوار پاره آمده ای؟ همه تپ و شخصیتی اینجا می آیند. اینجا کسی قضاوت نمی کند و حسن خوبی پیدا می کنی.» دخترک به پدرش تکیه داده و با تبلت بازی می کند. هر چند دقیقه یک بار سربلند می کند و به اطراف نگاهی می اندازد. مادر پتو را روی شانه های دخترش می اندازد و کتاب دعا را باز می کند. می گوید رزق و روزی همه ما در همین هیات ها است و با خواندن مناجات و گوش دادن به روضه دلمان آرام می گیرد. باور کنید شب های ماه رمضان برای کسی کارت دعوت نمی فرستند ولی مردم خودجوش و باعشق در این مجالس شرکت می کنند. کجا سراغ دارید که در محفل یا مجلسی مردم در هوای سرد روی زمین بنشینند؟ قبل از ازدواج شب های قدر و محرم با پدر و مادرم مسجد ارک می آمدم. بعد از ازدواج هم با همسرم هر شب اینجا می آیم. فلاسک چای و میوه هم



اینجا کسی از اینکه به گناهانش اعتراف کند خجالت نمی کشد. خود خدا گفته که در درگاه ما ناامیدی وجود ندارد. مرد این را می گوید و پتوی روی کالسکه را بالا می آورد و از گوشه آن نگاهی به پسر ۶ ماهه اش می اندازد. می گوید از کودکی در همین هیات ها بزرگ شدیم و می خواهم پسر هم با نوای روضه و مولودی بزرگ شود. آن روزها با پدرم اینجا می آمدم و درست همین جا همین جا کنار این نرده ها روی زمین می نشستیم. هر وقت هم خسته می شدم روی پای پدرم می خوابیدم. این تصویر کجاست؟ یکی از فروشندگان صیقلی را بیشتر می کند. یکی از فروشندگان صیقلی را بیشتر می کند و صافی را صاف می کند و طوری که همه بشنوند می گوید: «هرچی داریم از برکت این مسجد است. اگر سحری

